

تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه دریدا

سیده عصمت رسولی^۱، فاطمه بخشنده^۲

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

^۲ دانشجوی دکترای تخصصی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

چکیده

هدف: این مطالعه با هدف تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه فریدا انجام پذیرفت. روش ها: در این مطالعه مروری سیستماتیک از سال ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۳ (۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ شمسی) که در ایران انجام شده و در پایگاه های اطلاعاتی بین المللی Since Direct, ISI, bookyards, Scopus, ISC و پایگاه های اطلاعاتی ملی مانند گوگل اسکولار، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی مرکز کاکرین، ایران سیویلیکا بانک اطلاعات نشریات کشور مگیران ایرانداک و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران ایرانداک وجود دارد مورد بررسی قرار گرفت. یافته ها: در فرایند انتخاب مقالات ۵۷ مقاله به عنوان جامعه آماری انجام شده در مجلات معتبر به دست آمد که در نهایت ۲۳ مقاله به عنوان نمونه آماری وارد مطالعه شد. نتایج نشان داد که فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه فریدا نقش دارد، به عبارتی در تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه فریدا می توان استفاده نمود.

واژه های کلیدی: فلسفه تعلیم و تربیت، تعلیم و تربیت مدرن، دریدا

۱- مقدمه

وابستگی «دانش» و «قدرت» عمری به درازای تاریخ تمدن بشری دارد و در دوران «مدرن» و بعد از «رنسانس» مغرب زمین، «فرانسیس بیکن» با عبارت «دانش یعنی قدرت» این رابطه را به صورت عقد دائم، در تمدن نوین مغرب زمین نوید داد. رابطه ای که متفکرانی چون «میشل فوکو» در اندیشه خود، طرح بندی و صورتبندی دانش و قدرت را به تئوری تبدیل نمودند (فوکو، ۱۳۹۰: ترجمه: محمد ضمیران). نهادهای آموزشی دوران جدید به ویژه در سطح آموزش عالی، مهمترین نمادهای وابستگی و ارتباط علم جدید و قدرت هستند و قدرتهای بزرگ با سرمایه گذاری و حمایت، علم تولید می کنند، دانشمند پرورش می دهند، توسعه «علمی» می دهند تا بتوانند حضور خود را در سراسر جهان «مشروع» جلوه دهند و البته این توسعه به همراه خود گسترش علوم و دانش را به همراه دارد. فلسفه تعلیم و تربیت خود یکی از دانشهای میان رشتهای است که با دو قلمرو «فلسفه» و «تعلیم و تربیت» سر و کار دارد (نلر، ۱۳۸۷). این نتیجه رسیده است که دانشها از مادر خود یعنی فلسفه زاده شدند و هر کدام به سویی متوجه شده و رشد یافتند؛ به عبارتی دیگر، تربیت پیوسته در پیوندی مستقیم با فلسفه باقی بوده و ثبوت و ادامه چنین وضعی روشن است. کالین (۲۰۱۴) معتقد است از جنبه فلسفی، تعلیم و تربیت میان رشته ای با تاریخی طولانی و پُربار با مکاتبی که متضمن دیدگاههای تلفیقی و یکپارچه ساز هستند، پیوند مستحکمی دارد. فلسفه تعلیم و تربیت مدرن، از دو منظر کلی قابل بررسی است: از منظر اول، این حوزه به مثابه قلمروی در طرح دیدگاه ها و نظریات فلسفی دربارهی تعلیم و تربیت محسوب میشود که سابقه ای به اندازه ی تاریخ تفکرات بشری دارد. در این خصوص، اندیشمندان و فیلسوفان به طور مستقیم و یا غیر مستقیم دیدگاه هایی دربارهی مبانی، اهداف، اصول، روشها، و نظام تعلیم و تربیت ارائه کردهاند. از منظر دوم، این حوزه معرفتی به مثابه رشتهای دانشگاهی طی چند دهه اخیر در برخی کشورهای پیشرفته سه قاره اروپا، آمریکا، و اقیانوسیه به وجود آمده و رشد کرده است (بهشتی، ۱۳۸۵).

برخی از این اندیشمندان به طور مستقیم به مسائل تربیتی پرداخته و حتی نظامی جامع و فراگیر درباره تعلیم و تربیت ارائه داده اند؛ و برخی دیگر از آنها گرچه به طور مستقیم به این مباحث روی نیاورده اند، لیکن میتوان از طرز نگرشها و جهان بینی شان پاسخهایی را در باب مسائل تربیتی استنتاج کرد (کاردان، ۱۳۸۱). در توضیح گرایشها و رویکردهای موجود در فلسفه تعلیم و تربیت مدرن سه رویکرد اصلی وجود دارد. در رویکرد نخست که از آن با عناوین «رویکرد سنتی» یا «رویکرد استنتاجی» یاد می شود، دیدگاه فیلسوفان و اندیشمندان مختلف یا نظریات مکاتب مختلف فلسفی به عنوان مبنایی برای استنتاج و استنباط دیدگاههای تربیتی محسوب میگردد. این رویکرد که در دهه های ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۰ رواج داشت، مورد انتقاد قرار گرفته و رویکرد دوم با عنوان «فلسفه تحلیلی تعلیم و تربیت» که مجموعه تلاشهایی جهت ایضاح و تحلیل مفاهیم و گزارههای اساسی تعلیم و تربیت بود، در این عرصه غلبه یافت (کمبلیس، ۱۹۹۶). در دهه های اخیر نیز از رویکردهای «پساتحلیلی» سخن به میان آمده است. در اواخر قرن بیستم، با ظهور و گسترش نظریه ها و فلسفه های گوناگونی مانند «فلسفه های پدیدارشناختی»، «نظریه انتقادی»، «فمینیسم»، «نوعمگرایی»، «پساساختارگرایی»، و «فلسفه های پست مدرن» شاهد دیدگاه های جدیدی در حوزه تعلیم و تربیت می باشد. در این میان می توان به ژاک دریدا به عنوان فیلسوفی اشاره کرد که با نگاهی متفاوت به واسازی تقابلهای دوگانه در سنت فلسفی غرب مانند تقابل بین گفتار و نوشتار میپردازد. او با به کارگیری راهبرد واسازی و واژگون کردن قطبهای گفتار و نوشتار به بازآفرینی مفهوم نوشتار در ساحتی نو میپردازد.

دریدا به عنوان یکی از مشهورترین متفکران پستمدرن شناخته میشود. دیدگاه پست مدرنیسم که براساس نقد مدرنیسم شکل گرفت، امروزه در عرصه های گوناگون از جمله ادبیات، فلسفه، جامعه شناسی، سیاست و تعلیم و تربیت وارد شده و تحولات

گسترده ای را ایجاد نموده است. تعلیم و تربیت پست مدرن بر تغییرپذیری و تحولی مبتنی است که محور اندیشه های پست مدرنیسم است. در تفکر خالق نیز به دنبال یافتن راه حل هایی تازه از طریق تغییر ساخت و تنظیم مجدد اطلاعات هستیم. نگرش متفاوت به مسائل، جزء جدایی ناپذیر خلاقیت است (خلیلی، ۱۳۸۹). در گذشته، تعلیم و تربیت در عصر مدرن فقط از دریچه علمی بررسی می شد، اما تعلیم و تربیت پست مدرن تحت تأثیر اندیشه های ساختارشکنانه به دنبال تربیت انسانهایی منتقد بوده و به نوآوری و خلاقیت متکی است (ابراهیم، بهشتی و کشاورز، ۱۳۸۹). دریدا نیز به عنوان فیلسوفی خالق به دنبال ساختارشکنی و نگاهی متفاوت و جدید به پدیده هاست. در زمینه بهره گیری از اندیشه های دریدا در حوزه تعلیم و تربیت، برخی از پژوهشگران به دلالت های دیدگاه واسازی دریدا در باب فرآیند تعلیم و تربیت توجه داشته اند (کریم زاده، ۱۳۹۸). دسته ای دیگر از رویکرد واسازی برای حل مسائل تربیتی استفاده کرده از دیگر برخی (خلیلی و باقری ۱۳۸۹). آنچه در این مقاله های پژوهشی کمتر بدان پرداخته شده است، نبود نگاه ریشه ای به مفهوم نوشتار از دیدگاه دریدا است. شاید همین عدم توجه به مفهوم نوشتار سبب شده که پژوهش های پیشین براندیشه های نوشتارشناسانه دریدا با تأکید بر ارتباط آنها با پرورش خلاقیت در تعلیم و تربیت تمرکز نکنند از دیدگاه دریدا و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت از اینرو، ضرورت پژوهش در زمینه فلسفه نوشتار که موضوع اصلی این نوشتار میباشد، همچنان مطرح است. بعدی تقریباً با حفظ همان نگاه مغلوب به نوشتار گسترش یافت تا اینکه در سده بیستم با کارهای فیلسوفان خلاق مانند دریدا با ارائه نگرشی متفاوت و خلق مفهومی جدید از نوشتار، به بلوغ تازه رسید (پارسا^۱، ۲۰۱۴: ۴۴). فلسفه نوشتار در پی تغییر نگاه مغلوب نسبت به نوشتار در زبانشناسی است. نگاهی که پیشینهای به قدمت فایدروس^۲ و افلاطون دارد. در نظر روسو^۳ و سوسور^۴، نوشتار امری فرعی و ثانوی است، اما گفتار وضعیت «طبیعی زبان» محسوب می شود. با این حال «ژاک دریدا در نظر دارد تا نه تنها استفاد^۵ افلاطونی از نوشتار برای اولویت بخشیدن به گفتار، بلکه این برداشت نادرست ملازم با آن را نیز که زبان گفتاری موضوعها دلالت لفظ بر معنی را حاضر می سازد، افشا کند؛ دریدا می خواهد اتکای متافیزیک غرب بر این ترفندها را نشان دهد. از این رو نوشتارشناسی تا عمق فلسفه زبان و فرهنگ نفوذ میکند (خسروی، ۱۴۰۱). دریدا به دنبال «خوانش صبورانه متون فلسفی (دریدا^۵، ۱۹۷۳: ۳). و واسازی سنت متافیزیکی در اندیشه غرب است. او در پایان سنتی که نزدیک به دو هزار سال به درازا کشید، می کوشد سرچشمه خطا را بیابد. این سرچشمه برای دریدا «کلام محوری» یا لوگوس محوری است (احمدی، ۱۹۹۴). مفهوم لوگوس تداعی کنند^۶ عقلانیت، علم، معرفت و گفتار است (تریفوناس^۶، ۲۰۰۳: ۲۸۶). دریدا نوشتار مادون گفتار را نوشتار آوایی میخواند و از نوشتار فراگیر دیگری سخن می گوید که گفتار و نوشتار آوایی نمونه هایی از آن هستند. این نوشتار همان جایگاه غیاب و دلالت بی پایان است؛ جایگاه تولید بیپایان معنا» (دریدا^۷، ۲۰۱۳: ۱۹). فهم نوشتار از دیدگاه دریدا به فهم متن گره خورده است. مراد دریدا از متن، نوشتاری محدود و محصور در کتابها نیست بلکه از نظر او جهان متن ما و زبان دیدگاه ما دربار^۸ متن جهان است. هیچ چیز خارج از زبان برای انسان دارای معنا و مفهوم نیست. دریدا معتقد است زبان تنها ابزار انتقال و ارتباط نیست، بلکه جریان زندگی است (روتتری^۸، ۱۹۷۸: ۱۴۵) در زبان، معنا تولید میشود؛ دریدا برای زبان هیچگونه را نمی پذیرد و از بازی

¹ Parsa

² Phaedron

³ Rousseau

⁴ De Saussure

⁵ Derrida

⁶ Trifonas

⁷ ,Derrida

⁸ Rorty

زبانی و به تعویق افتادن معنا تا بینهایت سخن به میان غایت و مدلول استعلایی^۱ آورد. هر چیزی که دستکم از بیست قرن پیش تمایل داشته و سرانجام موفق شده تحت نام زبان گرد آید، اکنون دارد به نام نوشتار نقل مکان میکند. گویی مفهوم نوشتار، دیگر صورتی جزئی، اشتقاقی و فرعی از زبان عمومی نیست) منظور از زبان عمومی ارتباطات، تماس، بیان، داللت، تولید معنا یا تفکر و غیره است بلکه نوشتار مبین حرکت زبان است (دریدا، ۲۰۱۷: ۱۶). نوشتارشناسی دو لبه ایکه دریدا از آن پشتیبانی میکند، نوعی حالت فرازمینه ای و فراگفتمانی، درباره عقلانیت نهادینه شده است که به برنامه عملیاتی با هدف از پیش تعیین شده اشاره ندارد؛ به دنبال پرورش مرید و پیرو و با هیچ قدرتی موافق و هم جهت نیست. روی دیگر آن به دنبال تفسیر و ابداعی است که حاصل آن، خوانش پذیری عملی و بارقه ای از هدفی است که همواره دیگری را پذیرا باشد (تریفناس^۲، ۲۰۰۰). به نظر دریدا نمیتوان مانند همیشه با نهادینه سازی مرزهای تعیین شده، از آنها گذر کرد (دریدا، ۲۰۱۷: ۱۶). چنین نیست که مفاهیمی مانند تعلیم و تربیت به منزله امری بدیهی و نهادی تثبیت شده، ثابت و مطلق باشند. باید نظام تعلیم و تربیت به عنوان ساختار بدیهی از حالت معیار خارج شود و با قرار دادن ساختار تعلیم و تربیت پایگانی و گفتارمحور در زمینه روابط قدرت، به بررسی معنای آن پردازند. در این صورت تعارض درونی در زمینه عدم وجود خالقیت در نظر و عمل تربیتی و تأکید بر پرورش خالقیت در هدفهای تعیین شده آموزشی، آشکار میشود. با وارونه کردن قطبهای تضاد گفتار و نوشتار، خلاقیت و تولید به عنوان مفهوم به حاشیه رانده شده با مصرف کنندگی و پیروی صرف به عنوان قطب غالب در متن تعلیم و تربیت جابه جا می شوند. ظهور مفهوم جدیدی از نوشتار به خلق امکان تازهای از متن پایان ناپذیر تعلیم و تربیت منجر میشود؛ فرایند توانمندسازی افراد برای متفاوت زیستن، خلاقیت را پرورش میدهد.

تعلیم و تربیت مدرن همواره دیدگاه های ثابت را به عنوان دانش کشف شده و ارزشهای از پیش موجود در قالب برنامه و محتوای درسی ارائه کرده و اینگونه وحدت گرایی، یقین محوری و پیروی را در ذهن دانش آموزان القاء میکند. چنین تربیتی به همسان سازی افراد در طرز تفکر، عقاید، معرفت و ارزشها منجر میشود. در این وضعیت، افراد از دیدگاهها و انسانهای متفاوت آگاه نیستند و توانایی خلق نوشتار شخصی را نداشته و افرادی تابع و پیروان بی چون و چرا برای ایدئولوژی مسلط و سربازانی برای حفظ وضع موجود خواهند بود. این وضعیت باعث می شود تفاوتهایی که از ظرفیت لازم برای تغییر و دگرگونی در خود، جامعه و تعلیم و تربیت برخوردارند، در مدرسه خاموش شده و نوعی رکود، سکون و در نتیجه، نداشتن پیامد بر خلاقیت مستولی شود (عبدلی و همکاران، ۲۰۱۶). پیامد چنین وضعیتی، فروکاهش زبان به ابزار انتقال حقایق تعریف شده در تعلیم و تربیت است؛ امری که اغلب دانش آموزان را از تفکر خلاق و «تولید دانش»^۳ باز می دارد (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹). بنابراین این مقاله در پی پاسخ به این پرسش فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه درید چگونه تبیین می گردد؟

ضرورت پرداختن به فلسفه نوشتار از دیدگاه دریدا از این جهت است که اگر درک درستی از مفهوم نوشتار بر مبنای واسازی تقابل گفتار و نوشتار توسط دریدا به دست آید، میتوان زمینه های بنیادین و فلسفی تعلیم و تربیت را به منظور ایجاد بستر مناسب برای پرورش خلاقیت در فراگیران مورد بازاندیشی قرار داد. در ین راستا، هدف اصلی نوشتار حاضر این است که با بهره گیری از اندیشه نوشتارشناسی دریدا مبتنی بر واسازی تقابل گفتار و نوشتار و ارائه مفهوم جدیدی از نوشتار توسط او، به شرح مبانی فلسفی (هستی شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی) فلسفه نوشتار پرداخته، پیامدهای تربیتی آن را در ارتباط با ساختار تعلیم و تربیت به صورت عام و پرورش خلافت در دانش آموزان به صورت خاص استنباط نماید.

¹ Transcendental Signified

² Trifonas

³ Making Knowledge

۲- روش پژوهش

در این مطالعه مروری تشریحی جامعه آماری شامل کلیه مقالات متعددی در خصوص تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه دریدا است، که از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ میلادی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ شمسی در ایران انجام شد. در ابتدا لیستی از عناوین و چکیده‌ی تمام مقالات موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی توسط پژوهشگر تهیه و به منظور تعیین و انتخاب عناوین مرتبط مورد بررسی قرار گرفتند. سپس مقالات مرتبط به طور مستقل از همه‌ی موارد وارد فرایند پژوهش شدند معیارهای ورود مقالات شامل مقالات منتشر شده در مجلات معتبر علمی پژوهشی و خارجی انتشار مقاله به زبان فارسی یا انگلیسی تمام متن بودن مقالات بود، در سالهای ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ معیارهای خروج از مطالعه شامل عدم دسترسی به متن کامل مقالات مقالات تکراری برخی مقالات که تنها چکیده آن به زبان انگلیسی و متن آن به زبانهای دیگری جز فارسی یا انگلیسی بود در این بررسی مطالعات انجام شده و پایگاه‌های اطلاعاتی ملی ISC Scopus bookyards, ISI, Since Direct در ایران از پایگاههای اطلاعاتی بین المللی از جمله گوگل اسکولار پزشکی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی مرکز کاکرین، ایران سیویلیکا، بانک اطلاعات نشریات کشور مگیران ایرانداک و پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک) انجام شد جستجوی مقاله ها به طور عمده با استفاده از جستجوی سیستماتیک و کلیدواژه های معتبر مانند فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه دریدا به هر دو زبان فارسی و لاتین انجام شد.

۳- یافته ها

در فرایند انتخاب مقالات ۵۷ مطالعات انجام شده در مجلات معتبر به دست آمد که در مرحله بعد ۱۰ مقاله پس از بررسی و انتخاب بر حسب موضوع مطالعه حذف شدند تعداد ۴۷ مقاله وارد مرحله غربالگری شد و پس از حذف ۸ مقاله تکراری چکیده ۳۹ مقاله مطالعه شد. ۱۲ مقاله به علت نداشتن متن کامل حذف گردید که این مقالات چاپ شده در همایشها بودند که چکیده آنها در دسترس بود و از روشهای مختلف به متن کامل آن دسترسی ایجاد نشده است. ۲۷ مقاله با متن کامل بازیابی شد و ۳ مقاله پس از بررسی متن کامل به علت نداشتن معیارهای لازم حذف شد ۱ مقاله نیز پس از بررسی منابع مقالات به دست آماده اضافه گردید و در نهایت ۲۳ مقاله بین سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۲ و ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ به عنوان نمونه آماری وارد مطالعه شد.

جدول شماره (۱) نتایج بررسی مروری مقالات

ردیف	نام	سال	موضوع	نتیجه
۱	مجله و اصغری	۱۴۰۲	ساختار شکنی تعلیم و تربیت دینی دریدا در عصر پست مدرن	نتیجه گرفتند از دیدگاه دریدا به عنوان فیلسوف مدرن و پست مدرن نفی ذات و ماهیت دین، عدم اذعان به شناخت ذات دین، تاریخی و محلی دانستن تجربه دینی و غیره در این رویکرد حاکی از نارسایی آن در اشاعه کامل آن در سرتاسر جهان است. از اینرو به نظر می رسد که تعلیم و تربیت

۲	قاسم زاده و قدمی	۱۴۰۲	نقش و جایگاه تربیتی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت	نتیجه گرفتند آموزش و مطالعه تاریخ در دنیای کنونی به درس فراگیری در نهادهای آموزشی تبدیل شده و نقش عمده‌ای در تربیت جوانان دارد و ارائه درست و علمی درس تاریخ به دانش‌آموزان و دانشجویان این فرصت را می‌دهد که با تقویت حس خودشناسی و هویت‌یابی از طریق تامل در تاریخ و عبرت‌آموزی از آن و نیز کسب مجموعه‌ای از رفتارهای مناسب بر
۳	رستم زاده و همکاران	۱۴۰۲	بررسی فلسفه تعلیم و تربیت دریدا در جهان معاصر	فلسفه تعلیم و تربیت را تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت تلقی می‌کند و در سه سطح پیش استنتاجی یا باز یافت، استنتاجی یا کشف، و فرا استنتاجی یا خلق به بررسی فلسفه تعلیم و تربیت می‌پردازد. طراحی و اجرای تدابیر و راهکارهایی در
۴	پروینی و حسینی کوشکی	۱۴۰۲	مطالعه تطبیقی زبان از دیدگاه دریدا و ملاصدرا؛ بستری برای امکان‌سنجی خوانش واساز از متن قرآنی	نتیجه گرفتند با توجه به دیدگاه ملاصدرا نسبت به وجود، معرفت و زبان و قائل بودن او به نظام تشکیکی و دوتراتبی که از سه منبع معرفتی عقل، قلب و وحی حاصل شده و زبان الهی را دارای سه مرحله ابداعی، تکوینی و تشریعی دانسته و به تناسب، زبان بشری را نیز دوتراتبی می‌داند، دیدگاه دریدا، در هیچکدام از این سطوح زبانی قابل بررسی نیست و با توجه به نتیجه گرفت توجه به گستردگی و تصدیق‌کنندگی تفکر از منظر دریدا، آموزش فلسفه برای مدرسه و دانشگاه ضروری است و هر دو نهاد با توجه به تفاوت آن‌ها در سطح و نه در نوع، باید در امتداد یک پیوستار قرار گیرند و یک زنجیره را تشکیل دهند.
۵	کریم زاده	۱۴۰۱	آموزش فلسفه به مثابه آموزش تفکر بر اساس دیدگاه دریدا	نتیجه گرفت ساختارشکنی دریدا نظریه‌ای عام بر تمامیت زبان هاست، خواه ادبی یا فلسفی؛ خواه نوشتار یا گفتار، او می‌خواست متون درون متن و اثر هنری بدون نیت خاص هنرمندش بازخوانی شود و از متافیزیک نشانه، زبانشناسی دال و مدلول، تمایز کلام محوری و وامحوری استفاده می‌شود کرد.
۶	شیر افکن	۱۳۹۹	مطالعه اندیشه‌های فلسفی و سازنده ژاک دریدا در ادبیات و هنر	نتیجه گرفت با این بیان، در کنار خوانش نیست‌انگارانۀ برخی شارحین او، از امکان تفکر دینی در دریدا و نسبت ایجابی واسازی در تحلیل مفاهیم دینی نیز می‌توان سخن گفت. و وجه ایجابی و سلبی توأمانی که در دیفرانس و امکان‌ناپذیری به مثابه امارات واسازی وجود دارد می‌تواند راه را برای امکان و فهم گونه‌ای از الهیات سلبی در تفکر فلسفی دریدا و پرسش
۷	فتحی	۱۳۹۹	واسازی دریدا به مثابه رهیافتی برای امکان تفکر دینی (دریدا و امکان تفکر (دینی)	نتیجه گرفت با این بیان، در کنار خوانش نیست‌انگارانۀ برخی شارحین او، از امکان تفکر دینی در دریدا و نسبت ایجابی واسازی در تحلیل مفاهیم دینی نیز می‌توان سخن گفت. و وجه ایجابی و سلبی توأمانی که در دیفرانس و امکان‌ناپذیری به مثابه امارات واسازی وجود دارد می‌تواند راه را برای امکان و فهم گونه‌ای از الهیات سلبی در تفکر فلسفی دریدا و پرسش

۸	کریم زاده و همکاران	۱۳۹۸	فلسفه نوشتار از دیدگاه دریدا و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت	نتیجه فرایندی خلاق می باشد که می تواند گستره ای نامحدود از امکان های متفاوت و نیندیشیده شده تعلیم و تربیت را جهت پرورش خلاقیت در فراگیران فراهم نماید و با تاکید بر خلق معنا و نوشتار شخصی، تولید دانش و نه انتقال صرف آن را، زمینه ساز پرورش خلاقیت و پیشگامی سازد. همچنین با تفسیر تازه ای از کنش تربیتی به عنوان دغدغه دیگری، تعلیم
۹	رشیدپور و همکاران	۱۳۹۸	تحلیل تطبیقی تربیت شهروندی از دیدگاه دریدا و فوکو: توصیه هایی برای فیلسوفان تربیتی ایران	نتیجه گرفتند یک مدل تکاملی چرخشی از رابطه مکاتب فلسفی، نظام سیاسی، نظام آموزشی، تربیت اجتماعی و تربیت شهروندی ارائه می گردد
۱۰	غمامی	۱۳۹۸	فلسفه ارتباطات تربیتی از گراماتولوژی دریدا تا حکمت صدرا	نتیجه گرفت دریدا دغدغه تفاوت و احترام به دیگری را دارد؛ از این رو بر امر نوشتاری و تعویق تاکید می کند. در مقابل، صدرا دغدغه تعالی را در سر می پروراند و بر وحدت امر نوشتاری و گفتاری اصرار می ورزد. از نگاه وی، کلمه از خلال تشریع، تکوین و ابداع معنادار می شود؛ به عبارت دیگر علاوه بر لایه اجتماعی ایجاد کلام، توجه به لایه الهامی (فرشته شناسی) و
۱۱	پناهی و همکاران	۱۳۹۶	زبان، استعاره، حقیقت (بررسی نقش استعاره در تکوین پساساختارگرایی: با تکیه بر آرای فلسفه تربیتی دریدا)	نتیجه گرفته اند نقش تعیین کننده ای در تکوین مبانی نظری پساساختارگرایی - به ویژه آرای دریدا - داشته است. دریدا با تکیه بر سرشت استعاری زبان، به دنبال گسستن ریشه های متافیزیکی نشانه بود، اما با توجه به هیمنه گسترده و عمیق معارف و مفاهیم متافیزیک، رویکرد دریدا، به رغم خواست او، در نهایت به عرصه متافیزیک بازگشته است.
۱۲	کریمی گیلده و همکاران	۱۳۹۵	واسازی مفهوم «تفاوت های فردی دانش آموزان» و نقد آن از منظر رویکرد بازسازی دریدا	نتیجه گرفتند واسازی مفهوم تفاوت های فردی نشان داد که برداشت رایج دارای هدف های ایدئولوژیک شامل جلوه قانونی دادن، فریب، اشتراک در تفاوت ها و تفکیک دانش آموزان می باشد. واسازی، با ایجاد تردید در این دیدگاه رایج، لزوم جابجایی قطب های تضاد را آشکار می کند. از منظر نقد بازسازنده برخی از وجوه تضاد منبع خلاقیت هستند و نباید واسازی شوند.
۱۳	آمون ^۱	۲۰۲۳	پداگوژی و سیاست در سمینار تئوری و عمل تعلیم و تربیت دریدا.	نتیجه گرفت دریدا شباهتی بین شیوه های متنی و آموزشی خود و شیوه های هایدگر ترسیم می کند، تلاشی هم برای بازکردن رویه های خود در برابر وقفه ها و شکاف های واقعی و هم برای به چالش کشیدن «اختلال های» نئولیبرالی در آکادمی.

¹ Ammon

۱۴	رحمانیا و زباندا ^۱	۲۰۲۳	بررسی تطبیقی مفاهیم آموزشی در سه رویکرد مدرن، پست مدرن و فرامدرن	نتیجه گرفتند دیدگاه حامیان فرامدرنیسم به موضوعاتی مانند اهداف آموزشی، برنامه درسی، نقش معلم و دانش آموز و روش های یاددهی- یادگیری، پذیرش یا رد برخی از ایده های آموزشی است. از دو مکتب فلسفی مدرنیسم و پست مدرنیسم. بنابراین نمی توان گفت که حامیان فرامدرنیسم، پدیدآورندگان ایده های نو در عرصه آموزش هستند.
۱۵	ویس ^۲	۲۰۲۳	تجدید نظر در مورد بحث بین ژان لوک ماریون و ژاک دریدا در مورد تعلیم و تربیت	نتیجه گرفتند پیامدهای حقوقی-سیاسی گسترده تر همه «دلالت های متعالی» است. در نهایت، نشان می دهد که نظارت ماریون بر این حقایق در دفاع از سنت آپوفاتیک، ناخواسته نقد دریدا را مشروع می سازد، تا جایی که سنت مسیحی را از انتقاد بیرونی محفوظ می دارد، و در نتیجه پاسخگویی آن سنت را به مطالبات عدالت محدود می کند.
۱۶	کوشی ^۳	۲۰۲۲	چرخش ساختارشکن تعلیم و تربیت اخلاق: براندازی هویت خود در دریدا و	نتیجه گرفت دریدا بیشتر به عنوان یک تجربه وجودی فرد در نظر گرفته می شود تا یک فرآیند اجتماعی-سیاسی. این به دنبال راهی است از ساختارشکنی دریدا از متون تا محاکمه فردیت امانوئل لویانس توسط
۱۷	لیندو ^۴	۲۰۲۲	مادیت نشانه در سنت شفاهی خاصی: ماتریالیسم زبانی دریدا	نتیجه گرفت درکی از زبان و معنا باید ما را به سمت زبان در اصل ترین و ابتدایی ترین شکل های آن سوق دهد که در فرهنگ های شفاهی اصیل (ab) یافت می شود، جایی که مادی بودن نشانه بسیار پنهان و قابل تشخیص است. بنابراین، من با اشاره به مورد فرهنگ شفاهی جامعه خاصی هند، از ویژگی حسی، اصیل و مادی معنای زبانی توضیح می دهم. واژه ها،
۱۸	اقپور و همکاران ^۵	۲۰۲۲	آموزش باز در اندیشه میشل فوکو و ژاک دریدا و توسعه آن در نظام آموزش از راه دور	نتیجه را با ۹ مقوله کلیدی از اطلاعات جمع آوری شده استخراج شد: ۱. هدف، ۲. معلم، ۳. دانش آموز، ۴. روش تدریس، ۵. محتوا و موضوع، ۶. برنامه ریزی، ۷. مدرسه، ۸. ارزشیابی، و ۹. منابع. نتایج تحقیق نشان می دهد که مفهوم آموزش باز در اکثر زیرمجموعه های اصلی به جز دو دسته برنامه ریزی و منابع وجود داشته است. آموزش باز مناسب ترین آموزش

¹ Rahnama, A. , & Zabandan² Wise³ Koshy⁴ Lyngdoh⁵ aghapour

۱۹	تسار و همکاران ^۱	۲۰۲۱	فلسفه آموزش و پرورش دریدا در یک کلید جدید: آینده فلسفه آموزش و پرورش	نتیجه گرفت به عنوان «همراهان بالقوه عجیب و غیرعادی» خوانده شوند. این متن ما را ترغیب می کند تا بفهمیم این محققان و متفکران چگونه آینده فلسفی آموزشی ما را درک می کنند، و چگونه کار و تفکری که آنها در مورد اندیشیدن در مورد آینده این کلید جدید در فلسفه تعلیم و تربیت انجام داده اند در قالبی بسیار عمیق تر و عمیق تر تعبیه شده است
۲۰	ویلیامز ^۲	۲۰۲۱	موضوعات زبان: قرار دادن تک زبانی دریدا در آموزش جهانی	نتیجه گرفت بی ثبات کردن مفروضاتی است که زیربنای چندزبانگی و دستور کار آموزش جهانی را تشکیل می دهند و اهداف دموکراتیک و اخلاقی آن ها را از بین می برند. در عین حال، همانطور که خواهیم دید، متن دریدا راه هایی را می گشاید که در آن آموزش موضوعات زبانی می تواند در رابطه با مفهوم جدیدی از اخلاق و علوم انسانی بازسازی شود.
۲۱	بوجسن ^۳	۲۰۲۰	تضادها در اندیشه و عمل تربیتی: دریدا، فلسفه و تعلیم و تربیت	نتیجه گرفت اندیشه دریدا به دلیل انحراف این اسطوره قابل توجه است، که حداقل تا جمهوری افلاطون امتداد دارد، که فلسفه می تواند ابزارهای عملی را برای خیر آموزشی خود کشف و تجویز کند. بحث ارائه شده در این مقاله این است که اندیشه دریدا زمانی که به تأملات آموزشی می رسد بسیار بارور است، دقیقاً به این دلیل که نمی بندد.
۲۲	مندیه و اودیفا ^۴	۲۰۲۰	تحلیلی فلسفی تعلیم و تربیت از مشارکت ژاک دریدا در زبان و معنا	نتیجه گرفت در تفکر دریدا، غرض ورزی کاملاً همان نقشی را که به طور سنتی در فلسفه زبان تصور می شود، ایفا نمی کند. نیت ما معنای آنچه می گوئیم را تعیین نمی کند. در عوض، معنای کلماتی که استفاده می کنیم، قصد ما را در هنگام صحبت تعیین می کند. این بدان معنا نیست که منظور ما از آنچه می گوئیم نیست، یا اینکه نمی توانیم در برقراری ارتباط قصد داشته باشیم. اما، از آنجایی که زبان یک ساختار اجتماعی است که
۲۳	میلر ^۵	۲۰۱۸	خواندن دریدا با دایا کریشنا: روندهای پست مدرن در فلسفه تعلیم و تربیت معاصر هند	نتیجه گرفت مفهوم «مدرن» دانش کاملاً دگرگون شده است، و «واشکنی» فرمول بندی های قدیمی آن، کاتالیزور اصلی بود که در سال های آخر عمرش، فعالیت فلسفی خود را برانگیخت و هدایت کرد. دانش ها (به صورت جمع). بازسازی به این شیوه، گفت و گویی که هرگز اتفاق نیفتاد، نه تنها برای درک آثار متمایز شرکت کنندگان، بلکه برای پیشبرد نوشته های

¹ Tesar² Williams³ Bojesen⁴ Mendie & Udofia,⁵ Miller

۴- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی پژوهشهای انجام شده در تبیین فلسفه تعلیم و تربیت مدرن از دیدگاه دریدا با پژوهش انجام شده توسط محجل و اصغری (۱۴۰۲) که نشان داده است نتیجه گرفتند از دیدگاه دریدا به عنوان فیلسوف مدرن و پست مدرن نفی ذات و ماهیت دین، عدم اذعان به شناخت ذات دین، تاریخی و محلی دانستن تجربه دینی و غیره در این رویکرد حاکی از نارسایی آن در اشاعه کامل آن در سرتاسر جهان است. از اینرو به نظر می‌رسد که تعلیم و تربیت انتقادی در برابر تعلیم و تربیت دینی پست‌مدرن بدیلی مناسب باشد تا بتواند هم دانش آموز را با ماهیت و ذات دین آشنا سازد و هم کثرت‌گرایی و بافت‌گرایی را در تعلیم و تربیت خودش بپذیرد. همچنین در پژوهشی از رستم زاده و همکاران (۱۴۰۲) بیان داشته است که فلسفه تعلیم و تربیت را تبیین و اثبات مبادی تصویری و تصدیقی تعلیم و تربیت تلقی می‌کند و در سه سطح پیش استنتاجی یا باز یافت، استنتاجی یا کشف، و فرا استنتاجی یا خلق به بررسی فلسفه تعلیم و تربیت می‌پردازد. طراحی و اجرای تدابیر و راهکارهایی در سه سطح باز یافت، کشف و خلق، از شرایط اساسی پی ریزی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. با پژوهشی از پروینی و حسینی کوشکی (۱۴۰۲) نتیجه آنان نشان دهنده این بود که با توجه به دیدگاه ملاصدرا نسبت به وجود، معرفت و زبان و قائل بودن او به نظام تشکیکی و ذومراتبی که از سه منبع معرفتی عقل، قلب و وحی حاصل شده و زبان الهی را دارای سه مرحله ابداعی، تکوینی و تشریعی دانسته و به تناسب، زبان بشری را نیز ذومراتبی می‌داند، دیدگاه دریدا، در هیچکدام از این سطوح زبانی قابل بررسی نیست و با توجه به عدم فراوری دریدا از روش عقلی - فلسفی، هرگز از مرحله "فعل" (در نظام معرفتی خلق و امر) بالاتر نرفته است. به همین دلیل، بکارگیری این شیوه خوانش از متن قرآنی توسط برخی نومعترلیان، نیازمند بازنگری جدی و تحلیل انتقادی است. همچنین کریم زاده (۱۴۰۱) نتیجه گرفت توجه به گستردگی و تصدیق کنندگی تفکر از منظر دریدا، آموزش فلسفه برای مدرسه و دانشگاه ضروری است و هر دو نهاد با توجه به تفاوت آن‌ها در سطح و نه در نوع، باید در امتداد یک پیوستار قرار گیرند و یک زنجیره را تشکیل دهند. در پژوهش دیگری از کریم زاده و همکاران (۱۳۹۸) انجام شد نشان دادند که فرایندی خلاق می‌باشد که می‌تواند گستره ای نامحدود از امکان‌های متفاوت و نیندیشیده شده تعلیم و تربیت را جهت پرورش خلاقیت در فراگیران فراهم نماید و با تاکید بر خلق معنا و نوشتار شخصی، تولید دانش و نه انتقال صرف آن را، زمینه ساز پرورش خلاقیت و پیشگامی سازد. همچنین با تفسیر تازه ای از کنش تربیتی به عنوان دغدغه دیگری، تعلیم و تربیت نوشتارشناسانه رویکردی مسئولانه، به سوی خودآفرینی و رهایی بخشی خواهد بود. در پژوهش غمامی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد، دریدا دغدغه تفاوت و احترام به دیگری را دارد؛ از این رو بر امر نوشتاری و تعویق تاکید می‌کند. در مقابل، صدرا دغدغه تعالی را در سر می‌پروراند و بر وحدت امر نوشتاری و گفتاری اصرار می‌ورزد. از نگاه وی، کلمه از خلال تشریع، تکوین و ابداع معنادار می‌شود؛ به عبارت دیگر علاوه بر لایه اجتماعی ایجاد کلام، توجه به لایه الهامی (فرشته شناسی) و الهی (خداشناسی) در ایجاد کلمه سبب خواهد شد ارتباط، متعالی شود. در مقاله ای از آمون (۲۰۲۳) نشان داده شد دریدا شباهتی بین شیوه‌های متنی و آموزشی خود و شیوه‌های هایدگر ترسیم می‌کند، تلاشی هم برای باز کردن رویه‌های خود در برابر وقفه‌ها و شکاف‌های واقعی و هم برای به چالش کشیدن «اختلال‌های» نئولیبرالی در آکادمی دارد. ویس (۲۰۲۳) نشان داد پیامدهای حقوقی-سیاسی گسترده‌تر همه «دلالت‌های متعالی» است. در نهایت، نشان می‌دهد که نظارت ماریون بر این حقایق در دفاع از سنت آپوفاتیک، ناخواسته نقد دریدا را مشروع می‌سازد، تا جایی که سنت مسیحی را از انتقاد بیرونی محفوظ می‌دارد، و در نتیجه پاسخگویی آن سنت را به مطالبات عدالت محدود می‌کند. در پژوهش کوشی (۲۰۲۲) نشان داد دریدا بیشتر به عنوان یک تجربه وجودی فرد در نظر گرفته می‌شود تا یک فرآیند اجتماعی-سیاسی. این به دنبال راهی است از

ساختارشکنی دریدا از متون تا محاکمه فردیت امانوئل لویناس توسط «چهره» دیگری. چهره دیگری که خواهان مسئولیت اخلاقی «من» است، استقلال او را به چالش می‌کشد. همچنین، لیندو (۲۰۲۲) نتیجه گرفت درکی از زبان و معنا باید ما را به سمت زبان در اصل‌ترین و ابتدایی‌ترین شکل‌های آن سوق دهد که در فرهنگ‌های شفاهی اصل (ab) یافت می‌شود، جایی که مادی بودن نشانه بسیار پنهان و قابل تشخیص است. بنابراین، من با اشاره به مورد فرهنگ شفاهی جامعه خاصی هند، از ویژگی حسی، اصل و مادی معنای زبانی توضیح می‌دهم. واژه‌ها، استعاره‌ها و تصاویر خاص را می‌توان در اشتقاقات حسی آن‌ها به وضوح نشان داد. در پژوهشی از تسار و همکاران (۲۰۲۱) نتیجه گرفت به‌عنوان «همراهان بالقوه عجیب و غیرعادی» خوانده شوند. این متن ما را ترغیب می‌کند تا بفهمیم این محققان و متفکران چگونه آینده فلسفی آموزشی ما را درک می‌کنند، و چگونه کار و تفکری که آنها در مورد اندیشیدن در مورد آینده این کلید جدید در فلسفه تعلیم و تربیت انجام داده اند در قالبی بسیار عمیق تر و عمیق تر تعبیه شده است ادبیات غنی تر و تجربه شخصی می‌باشد. و می‌توان به پژوهش بوجسن (۲۰۲۰) اشاره نمود که نتیجه گرفت اندیشه دریدا به دلیل انحراف این اسطوره قابل توجه است، که حداقل تا جمهوری افلاطون امتداد دارد، که فلسفه می‌تواند ابزارهای عملی را برای خیر آموزشی خود کشف و تجویز کند. بحث ارائه شده در این مقاله این است که اندیشه دریدا زمانی که به تأملات آموزشی می‌رسد بسیار بارور است، دقیقاً به این دلیل که نمی‌بندد. «عدم مقایسه این پژوهش نسبت به رویکردها و نظریات دریدا در مورد زبان و چگونگی به کارگیری آن، میزان تحقق درک افراد از یکدیگر و پیشرفت ارتباط را تعیین می‌کند. ارتباط نیز همچون زبان، می‌تواند وجوه مختلفی از جمله کالمی و نوشتاری داشته باشد، از جمله محدودیتهای این پژوهش می‌باشد.»

۵- نتیجه گیری

با مرور نتیجه پژوهش‌های ذکر شده، نتیجه‌گیری می‌شود، نگرش فلسفه نوشتار دریدا، به فرآیند تعلیم و تربیت با نگاه حاکم بر نظام فعلی تعلیم و تربیت متفاوت است. به همین دلیل ارائه یک نتیجه‌نهایی به‌صورت بسته‌های مفهومی با دلالت‌های جزئی، دقیق و عینی برای نظام تعلیم و تربیت حال حاضر که مبتنی بر ذهنیت آخرکاری با منطق دوقطبی در پژوهش‌های علمی است، با توجه به ناسازگار بودن متون دریدا در تلاش برای اثبات حقیقتی غیرقابل بحث و قطعی، غیرمسئولانه است. ابراز نظری و پایگانی چنین پایان‌استانداری که به دنبال خاموشی کامل پس از آگاهی باشد، مطمئناً با قلمروی پیش‌بینی ناپذیر فلسفه نوشتار که منجر به ظهور دیگری و دعوت به خلق متفاوت معنا می‌شود، در تضاد است. در فلسفه نوشتار با زیر سؤال بردن و واژگونی تقابل گفتار و نوشتار، ساختار گفتارمحور تعلیم و تربیت نیاز به بازبینی پرزحمتی پیدا خواهد کرد؛ زیرا با تأکید بر پیروی صرف از رویکردها و مؤلفه‌های تربیتی تعیین شده و ساختار نهادینه شده، تعلیم و تربیت در عمل فرآیندی خلاقانه نبوده و توانایی ایجاد زمینه‌ها و بستر مناسب برای پرورش هر چه بیشتر خلاقیت در دانش‌آموزان را نخواهد داشت. در مقابل تعلیم و تربیت مبتنی بر فلسفه نوشتار خواستار پرورش فراگیری است که با نقد گفتمان‌های مسلط و خوانش متفاوت از متون مختلف در نهایت توانایی خلق نوشتار شخصی و گسترش متون را داشته باشند. درواقع تعلیم و تربیت نوشتارشناسانه با ایجاد زمینه‌های فلسفی و بستر مناسب به پرورش خلاقیت و نوآوری در افرادی کمک می‌کند که انعطاف‌پذیری و خلاقیت را در تمام وجوه فرآیند تعلیم و تربیت حس می‌کنند.

جایگاه اساسی نوشتار در تعلیم و تربیت را می‌توان با توجه به اهمیت پرورش خلاقیت ملاحظه نمود. از دیدگاه فلسفه، نوشتار برای پرورش خلاقیت، تعلیم و تربیت خود نیز باید فرآیندی خلاق باشد. تعلیم و تربیت مبتنی بر فلسفه نوشتار آزادی و ابتکار

فراگیر را می‌پذیرد و او را ترغیب میکند تا در حلقه‌های کندوکاو به جستجو، بحث و گفتگو با دیگر مشارکت‌کنندگان در فرآیند آموزشی بپردازد. همچنین از طریق برانگیختن فراگیر به خوانش متفاوت از متون و پذیرش دیگری او را به طرح پرسشهای اندیشمندانه و خلق ایده‌های نو تشویق نماید. درواقع خلق نوشتار و تولید ایده دیگری به ابراز وجود و پرورش خلاقیت و اعتمادبه نفس در فراگیر منجر می‌شود. این فضا موقعیتی مناسب برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد تا با سفری هیجان‌انگیز به سوی خلق امکانهای نیندیشیده شده و یا به حاشیه رانده شده بروند و با خوانش متفاوت از متون به خلق نوشتار و استعاره ادبی و علمی بپردازند.

می‌توان نتیجه گرفت که تعلیم و تربیت نوشتارشناسانه بیش از آنکه مجموعه‌ای از دانشها و فنون آموزشی، خاستگاه علمی داشته باشد، فرایندی هنری است و در جستجوی روشهای خلاقانه، متفاوت و جانشین برنامه درسی، روشهایی هنری مانند خود زیست‌نگاری، ساخت فیلم و غیره، همچنین محیط‌های متنوع یادگیری را خارج از محیط بسته و محدود کلاسی پیشنهاد می‌کند. دریدا به دنبال نوشتاری آزاداست که از فرم کتاب و در چارچوب قرار دادن نوشتار، می‌گذرد. ازاینرو، در تعلیم و تربیت نوشتارشناسانه نوشتاری که با مالکهای صوری آموزشی قابل قبول باشد، اما بدون محتوا و سبکی که بتواند به متن و نگارنده آن هویتی متفاوت اعطا کند، مورد تأکید نیست؛ زیرا این امر به نوشتارهایی غیرمولد خواهد انجامید. در فلسفه نوشتار، نوشتن مولد که به واقع تجسم عملی تولید و ابداع است، حائز اهمیت است.

باید اذعان داشت که آرای دریدا بیش از هر متفکری باعث بحث و جدل شده و گاهی نیز مورد سوء تفسیر قرار گرفته است بحثها و نقدها بیشتر به پیامدهای دیدگاه دریدا در تعلیم و تربیت وارد شده است. نقد دیدگاه او در جزئی‌نگری بیش از حد، زیر سؤال بردن ارزشهای اخلاقی، نداشتن مالک مشخص برای گرامیداشت دیگری، نسبیت‌گرایی افراطی، نفی هرگونه شناخت و ارزش یکسان برای معلم و دانش‌آموز انجام شده است. همچنین نبود مالک مشخص و روشن در ارزشیابی، از دیگر چالشهای عمده دیدگاه نوشتارشناسانه دریدا در تعلیم و تربیت است، چراکه اگر معیار و مالک مشخصی برای ارزشیابی در تعلیم و تربیت نداشته باشیم، از نقاط ضعف و قوت روشهای آموزشی و پیشرفت تحصیلی فراگیران به خوبی آگاهی نمی‌یابیم. از دیگر نقدهای عمده که بر دیدگاه نوشتارشناسانه دریدا وارد شده است، نفی تمام ساختارها و مرزبندیهای علمی است، به طوریکه از یک سو مجلات علمی بر اساس ساختار پژوهشی و روشهای علمی استاندارد به‌گزینش مقالات علمی می‌پردازند و پژوهشگران را به سوی نوشتاری با زبان علمی، دقیق و عینی بدون هیچ ابهامی دعوت میکنند و از سوی دیگر دریدا نوشتن در چارچوب ساختار از پیش تعیین شده را محدودکننده خلاقیت می‌داند چراکه بر این اساس فقط به یک نوع نوشتار محدود فرصت داده میشود و امکانهای نادیده گرفته شده متون هرگز مجال ظهور و رشد نمی‌یابند. دریدا به نوعی شعر را وارد فلسفه کرد.

بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به تأکید دریدا بر وجه نوشتاری زبان، کوشید جنبه‌هایی از نوشتار را که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، بررسی کند. در این راستا، انتقادهایی که دریدا بر گفتارمحوری در سنت فلسفه غرب وارد کرده بود، از نظر گذشت. در واقع دریدا با تکیه بر دیدگاه خاص خود در باب ساختارشکنی، کوشید از به حاشیه رانده شدن نوشتار در جدال با گفتار جلوگیری نماید و ارزش‌های نهفته آن را بیان کند. نتایج حاصل از بررسی دیدگاه دریدا و به کارگیری آن در آموزش و پرورش نشان می‌دهد می‌توان بسیاری از جنبه‌های مبهم گفتار را با نوشتار روشن کرد. همچنین در این دیدگاه نوشتار نقش ارزنده‌ای در برقراری ارتباط آموزشی صحیح ایفا می‌کند. در حقیقت محدود شدن فرایند آموزش و پرورش به وجه گفتاری، به سطحی‌نگری منجر خواهد شد و نتایج حاصل از این ارتباط، درک عمیق و ارزیابی آموزشی را مختل خواهد کرد.

به نظر می‌رسد از خلال نظرات فلسفی دریدا می‌توان این گونه استنباط کرد که برنامه درسی مورد نظر وی، برنامه بین رشته‌ای می‌باشد. و مرزبندی‌های فرهنگی مانند تقسیم حوزه‌های درسی به روان‌شناسی، مردم‌شناسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ را تقسیم‌بندی تصنعی می‌داند. این تقسیم‌بندی‌ها فقط برای اهداف خاصی مفید هستند. حتی اگر به تقسیم‌بندی بین علم، فلسفه، ادبیات، دین توجه کنیم درمی‌یابیم که جداسازی آن‌ها خیلی دقیق نیست. تقسیم‌بندی‌های دیگر در جامعه نیز طبیعی نیستند و بیشتر قراردادی می‌نمایند. از جمله تقسیم جامعه بر اساس طبقات و گروه‌ها. دریدا به ویژه مرزبندی میان ادبیات و فلسفه و نقد ادبی را زیر سؤال برده و جدا کردن آن‌ها را تصنعی می‌داند.

از دید دریدا هیچ خوانش درستی از متن وجود ندارد. در اندیشه او نقطه‌ی مرکزی وجود ندارد. چون نقطه مرکزی واجد کیفیت متافیزیکی می‌باشد. به نظر وی واقعیت، حقیقت و علم اموری عینی نیستند.

دریدا با تعریف مفاهیم در کتب درسی مخالف است. و مدعی است تعریف ریشه در متافیزیک حضور دارد و با آن نمی‌توان به درک امور نائل آمد.

دریدا ساختار، انسجام، توالی منطقی و معنی کتاب‌های درسی را تخیلی و موهوم می‌داند. در کتب درسی شما نمی‌توانید به دنبال حقیقت واقعی بگردید. واقعیت به وسیله قدرت‌های زبان/ کلمه و از طریق بین متنی شکل می‌گیرد (چیراللی^۱، ۲۰۰۰). دریدا با توجه به مبانی فلسفی خود، قضایای مختلف از جمله جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت را بر حسب مؤلفه‌های چهارگانه کلام محوری، خود-محوری، قوم - مداری و آوا - محوری مورد بررسی قرار می‌دهد؛ چرا که بر این عقیده است که اساس تفکر مدرن و از جمله تعلیم و تربیت بر این اساس استوار است. دریدا در تفکر مدرن نوعی عقل - محوری (کلام - محوری) را در نظر می‌گیرد و لذا برنامه درسی برمسائلی چون عقلانیت، تصحیح خطا و تخصص‌گرایی مبتنی است برنامه درسی توانایی تغییر را دارا می‌باشد. می‌تواند از تمرکز خارج شود، به طوری که در آن بتوان صداهای مختلف را شنید. بدین منظور برنامه درسی باید منعطف باشد.

با توجه به تقابل‌های دوگانه که مورد ساخت شکنی دریدا قرار گرفته، در مورد تعلیم و تربیت نیز می‌توان آن‌ها را مورد ساخت شکنی قرار داد. این نکته برای برنامه‌ریزان درسی و معلمان این پیامد را دارد که (به طور غیرمستقیم) که در ارزیابی‌های خود نباید همه چیز را در چارچوب فضای ذهنی دوگانه بررسی نمود، چرا که در این صورت دیگر نمی‌توانیم بسیاری از پدیده‌های حاشیه‌ای را ببینیم. رویکرد تقابل‌های دوتایی ما را وادار می‌دارد اشیا و پدیده‌ها را از دو گونه سیاه یا سفید ببینیم در صورتی که رنگ خاکستری یک واقعیت است. به همین لحاظ دریدا توجه به هنر و ادبیات را پیشنهاد می‌کند، (درمدارس خود ما نیز بعضاً دروسی مهم و دروسی به حاشیه رفته اند دروس ریاضی، علوم و... از دروس اصلی و انشا، ادبیات، هنر و ورزش از اهمیت کمتری برخوردارند).

برنامه درسی پیشنهادی، می‌تواند بر اساس ترسیم الگوهای متعامل، و در نظر گرفتن محیط و متنی که قرار است آموزش و پرورش در آن صورت بگیرد باشد. هم‌چنین باید تمام دانش‌آموزان، فرهنگ‌ها، نیاها، سهم فرهنگی، تاریخی و سیاسی هر گروه را در برگیرد. آموزش دانش‌آموزان را به وسیله دانش و مهارت‌های مورد نیاز یک شهروند نقاد و مسئولیت‌پذیر آماده کند. در این برنامه اطلاعات دانش‌آموزان به طور مداوم با روایت‌های متنوع فرهنگی، سیاسی، تفسیر و بازسازی می‌شود. نمی‌توان یک کانون دانش در نظر گرفت که دانش‌آموز طبق آن رفتار کند، بلکه این دانش‌آموز به فراخور سواد فرهنگی خود به تفسیر، بحث و گفتگو در باره حوزه دانش می‌پردازد.

¹ -Chiralelli

لذا پیشنهاد می شود در محتوای دروس، به نوشتار نیز مانند گفتار بر اساس دوره های مختلف آموزشی توجه شود، سطوح متفاوتی به خود می گیرد و میزان سودبخشی آن با در نظر گرفتن هماهنگی دوره های آموزشی و سطوح نوشتاری تحقق می پذیرد. بر این اساس با توجه به اصول و روش هایی که در مقاطع مختلف ذکر شد، هرچه از مقاطع پایین تر به سمت مقاطع بالاتر پیش می رویم، قابلیت های پیچیده تر نوشتار، مورد استفاده قرار می گیرد. این امر به دلیل افزایش مهارت های نوشتاری و تحلیلی دانش آموزان است. در پایان باید گفت آموزش و پرورش مورد نظر دریدا، بیشتر بر توانایی های نوشتاری و قابلیت های نوشتار تأکید می کند. پیشنهاد می شود، معلمان در آموزش خود این صورت های چندگانه را در نظر بگیرند و تنها به شیوه ای خاص بسنده نکنند. از آنجا که دانش آموزان در دوره راهنمایی و به خصوص دبیرستان، توانایی های بیشتری دارند و این استعدادها تنها با تمرین و آموزش صحیح بروز می کنند، نقش معلم و شیوه تدریس او در این مقاطع بسیار حیاتی است. اگر معلمی در کلاس مدام از کتاب های روان و نوشته های ساده استفاده کند، دانش آموزان به این روش عادت می کنند و هنگام رویارویی با نوشتارهای سنگین و پیچیده، دچار مشکل می شوند. اما اگر معلمان بکوشند نوشتارها و کتاب های ساده و پیچیده را در کنار هم استفاده کنند و شیوه ساخت شکنی آن ها را به دانش آموزان بیاموزند، توانایی آنان در تحلیل مسائل افزایش خواهد یافت.

منابع

- ابراهیم، احترام، بهشتی، سعید، & کشاورز، سوسن. (۱۳۸۹). بررسی اندیشه های تربیتی دریدا و نقد آن. *رویکردهای نوین آموزشی*، (1) 5، 149-170.
- احمدی، بابک (۱۳۹۲). مدرنیته و اندیشه‌ی انتقادی، **ناشر: نشر مرکز**
- بهشتی، سعید (۱۳۸۵). فلسفه تعلیم و تربیت در جهان امروز، فصلنامه قبسات، سال یازدهم، شماره ۱۱/۴۰، 101-124 صص
- پروینی خلیل، حسینی گوشکی سید حسین. مطالعه تطبیقی زبان از دیدگاه دریدا و ملاصدرا؛ بستری برای امکان‌سنجی خوانش واساز از متن قرآنی. *جستارهای زبانی*. ۱۴۰۲؛ ۱۴ (۴): ۳۰۳-۳۴۲
- حسین پناهی، فردین و شیخ احمدی، سید اسعد، ۱۳۹۶، زبان، استعاره، حقیقت (بررسی نقش استعاره در تکوین پساساختارگرایی: با تکیه بر آرای دریدا)، <https://civilica.com/doc/1188555>
- خسروی، صدرا. (۱۴۰۱). آزادی بیان دانشگاهی در ایران: خودمردم‌نگاری رانسیری یک تجربه‌ی آموزش برخط. *فصلنامه مطالعات دانشگاه*. 2022. 416. doi: 10. 22035/jous. 125-152. (1) 1
- خلیلی، سمانه. (۱۳۸۹). بررسی آرای دریدا و بهره جستن از آن برای بهبود فرآیند ارتباط کلامی در آموزش و پرورش. *نوآوری های آموزشی*، (1) 9، 47-72.
- رستم زاده، فرشید، رستم زاده، نوشین، و محمدوند، نفیسه. (۱۴۰۲). بررسی فلسفه تعلیم و تربیت در جهان معاصر. کنفرانس بین المللی مدیریت و صنعت. [SID. https://sid.ir/paper/1075648/fa](https://sid.ir/paper/1075648/fa)
- رشیدپور، رکسانا، سرمدی، محمدرضا، مشهدی میقانی، ژیل، و ناطقی، فائزه. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی تربیت شهروندی از دیدگاه دریدا و فوکو: توصیه هایی برای فیلسوفان تربیتی ایران. *فصلنامه ایرانی آموزش و پرورش تطبیقی*، ۲ (۴)، ۴۰۷-۴۲۴.
- [SID. https://sid.ir/paper/524706/fa](https://sid.ir/paper/524706/fa)
- فتحی، علی (۱۳۹۹). واسازی دریدا به مثابه رهیافتی برای امکان تفکر دینی (دریدا و امکان تفکر دینی)، حکمت و فلسفه ، شماره ۳ (پیاپی ۶۳)
- قاسم زاده، فتخار؛ قدمی، زینب (۱۴۰۲) نقش و جایگاه تربیتی آموزش تاریخ در نظام تعلیم و تربیت، پژوهش در آموزش تاریخ بهار ۱۴۰۲ - شماره ۱۳، صفحه - از ۳۲ تا ۴۵.
- کاردان، علی محمد (۱۳۸۱). سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: سمت.
- کریم زاده، بهمن، ۱۴۰۱، آموزش فلسفه به مثابه آموزش تفکر بر اساس دیدگاه دریدا، <https://civilica.com/doc/1873168>
- کریم زاده، بهمن، یاری دهنوی، مراد، باقری نوع پرست، خسرو، و علوی، سیدحمیدرضا. (۱۳۹۸). فلسفه نوشتار از دیدگاه دریدا و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت (مطالعات تربیتی و روان شناسی مشهد)، ۹ (۱) (پیاپی ۱۷)، ۱۳۰-۱۴۹. [SID. https://sid.ir/paper/218547/fa](https://sid.ir/paper/218547/fa)

- کریمی گیلده، علی، صادق زاده قمصری، علیرضا، سجادی، سید مهدی، & باقری نوع پرست، خسرو. (۱۳۹۵). واسازی مفهوم «تفاوت‌های فردی دانش آموزان» و نقد آن از منظر رویکرد بازسازی. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت-69, (1) 6, 82. doi: 10. 22067/fe. v6i1. 51060
- صادقی، زینب، محتشمی، رضا، میری، امیر، و صادقی، سبحان. (۱۳۸۹). خلاقیت در آموزش عالی؛ گامی اساسی در جهت توسعه پایدار. راهبردهای آموزش (راهبردهای آموزش در علوم پزشکی)، ۳ (۱)، ۲۳-۲۸. SID. <https://sid.ir/paper/174224/fa>
- ضیمران، محمد (۱۳۹۰). دانش و قدرت. تهران: انتشارات هرمس.
- غمامی، سیدمحمدعلی، ۱۳۹۸، فلسفه ارتباطات از گراماتولوژی دریدا تا حکمت صدرا، <https://civilica.com/doc/999936>
- محجل، ندا و اصغری، محمد، ۱۴۰۲، ساختارشنکی تعلیم و تربیت دینی در عصر پست مدرن، <https://civilica.com/doc/1804637>
- نلر، جی. اف (۱۳۵۶). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه‌ی فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران: سمت.
- Abdolahi, A. (2008). Creativity and Innovation in the field of Education. Journal of Heson, 18 (1) 82-104
- Aghapour, B. , Maleki, H. , Khatib Zanjani, N. , & Masoumi Fard, M. (2022). Open Pedagogy in the Thought of Michel Foucault and Jacques Derrida and its Development in the Distance Education System. Quarterly of Iranian Distance Education Journal, 4 (2) , 189-206. doi: 10. 30473/idej. 2023. 67110. 1143
- Ammon, A,. (2023). PEDAGOGY AND POLITICS IN DERRIDA'S THEORY AND PRACTICE SEMINAR. Academic Journal, Symposium: Canadian Journal of Continental Philosophy / Revue Canadienne de Philosophie Continentale, 2023, Vol 27, Issue 1, p96, 10. 5840/symposium20232716
- Bojesen, E. Contradictions in Educational Thought and Practice: Derrida, Philosophy, and Education. Stud Philos Educ **40**, 165–182 (2021). <https://doi.org/10.1007/s11217-021-09752-1>
- Chambliss, J. J. (1996). History of Philosophy of Education, In: Chambliss, J. J. (Ed) Philosophy of Education: an Encyclopedia, New York: Garland.
- Derrida, J. (1973). Speech and Phenomena and other Essays on Husserl's Theory of Signs. (D. Allison, Trans). North western University Press
- Derrida, J. (2013) Freud et la scène de l'écriture, L'écriture et la différence, s. 293-340. (M. Parsa, Trans). Tehran: Roozbahan.
- Rahnema, A. , & Zabandan, M. (2023). A Comparative Study of Educational Implications in Three Modern, Postmodern and Metamodern Approaches. Iranian Journal of Comparative Education, 6 (1) , 2327-2349. doi: 10. 22034/ijce. 2023. 381750. 1467
- Rorty, R. (1978). Philosophy as a Kind of Writing: An Essay on Derrida. New Literary History, 10 (1) , 141-160.
- Rorty, R. (1999). An Appreciation of Jacques Derrida. In Stanford Online Report, Available Online at: <http://news-service.stanford.edu/news/1999/april21/rortytext-421.html>
- Parsa, M. (2011). Deconstruction as a Strategy. Journal of Metaphysics, 11 (3) , 59-72.

- Koshy, A. (2022). Deconstructive Turn of Ethics: Subversion of Self-identity in Derrida and Levinas. *Tattva Journal of Philosophy*, 14 (2). <https://doi.org/10.12726/tjp.28.1>
- Lyngdoh, S. S. The Materiality of the Sign in Khasi Oral Tradition: Derrida's Linguistic Materialism. *J. Indian Counc. Philos. Res.* **39**, 151–168 (2022). <https://doi.org/10.1007/s40961-022-00279-5>
- Mendie, J. G. and Udofia, S. N., (2020). "A Philosophical Analysis of Jacques Derrida's Contributions to Language and Meaning", *International Journal of Humanities, Management and Social Science*, vol. 3, no. 1, pp. 20-34.
- Tesar, M., Hytten, K., Kawehau Hoskins, T., Rosiek, J. M., Y. Jackson, A., & Hand, M., (2021). **Philosophy of education in a new key: Future of philosophy of education**, Pages 1234-1255 | Received 16 Jun 2021, Accepted 16 Jun 2021, Published online: 25 Jul 2021, <https://doi.org/10.1080/00131857.2021.1946792>
- Trifonas, P. (2000). Derrida as a Philosopher of Education. *Educational Philosophy and Theory*, 32 (3), 271-281. Trifonas, P. (2003). The Ethics of Science and/as Research: Deconstruction and the orientations of a new academic responsibility. *Educational Philosophy and Theory*, 35 (3), 285-295.
- Wise, R. M., (2023). Beyond the Apophatic Circle: Rethinking the Debate Between Jean-Luc Marion and Jacques Derrida, First published: 09 March 2023, <https://doi.org/10.1111/heyj.14201>
- Williams, E. Language Subjects: Placing Derrida's Monolingualism in Global Education. *Stud Philos Educ* **40**, 135–148 (2021). <https://doi.org/10.1007/s11217-021-09757-w>